

دکتر زهرا فهرستی^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

زیبا سرچمی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

قاچاق انسان و بررسی آن از دیدگاه فقهی

چکیده

پدیده‌ی تجارت انسان به ویژه زنان و کودکان امروزه به عنوان یک جرم سازمان یافته‌ی فراملی مطرح است و مقاله‌ی نام‌های بین‌المللی متعددی در جهت مبارزه‌ی با آن منعقد گشته است.

سیاست تقنینی ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی مبتنی بر پذیرش و امضاء برخی تعهدات بین‌المللی و تدوین قوانین پراکنده‌ای در جهت مقابله‌ی با آن بوده است، ولی به دلیل سیاست‌های رژیم پهلوی عملاً توفیق چندانی حاصل نشد.

بعد از انقلاب اسلامی، شاهد تحولات چشم‌گیری در این زمینه هستیم که مهم‌ترین آن‌ها تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۸۳ می‌باشد.

مقاله‌ی حاضر پس از بیان سیاست‌های تقنینی در این زمینه به بررسی و تحلیل قانون مبارزه با قاچاق بر اساس مبانی فقهی پرداخته، نقایص موجود در این

۱ - E-mail: Fehrest41@yahoo.com.

زمینه را بیان کرده و راهکارهایی را جهت رفع کاستیها و انطباق هر چه بیشتر آن قانون با شریعت اسلام و قانون اساسی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی:

قاچاق، قاچاق انسان، مقاصد جنسی، مفسد فی الارض، افساد فی الارض، فتنه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه‌ی بین‌المللی در قرن حاضر به ویژه از ابتدای دهه‌ی ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی بلوک شرق، پدیده‌ی تجارت انسان است. تجارت انسان با سود سالانه ۵ تا ۷ بلیون دلار، بعد از قاچاق مواد مخدر و اسلحه، سودآورترین تجارت نامشروع جهان و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فعالیت مجرمانه محسوب می‌شود. سالانه چهار میلیون نفر مورد قاچاق داخلی یا بین‌المللی قرار می‌گیرند.

(WWW. GatWinter national. Org/ Protocol Janice G.Raymond, "Guide to the new protocol", P:.)

بر اساس اظهارات یک دانشمند ایتالیایی، ارزیابی‌های مستند گویای این است که ۱۱/۵ میلیون نفر برده حاصل چهار قرن برده‌داری (در غرب) بوده است. ولی ۳۰ میلیون نفر زن و کودک که با مقاصد جنسی قاچاق شده‌اند حاصل یک دهه اعمال تبهکارانه‌ی باندهای مخوف قاچاق انسان است.

(BABARA CROSSETTE, People trafficking on rise, Warns UN NewYork Times, ۲۶ June ۲۰۰۰)

متأسفانه برخی کشورها به طور همزمان ممکن است مبدأ، معبر و مقصد قاچاق انسان باشند (جمهوری، ۸۰/۳/۹).

کشورهای اسلامی نیز از این آتش خانمان‌سوز بی‌بهره نیستند. مجاورت ایران اسلامی با کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکیه و کشورهای عربی - که عمدتاً زنان و دختران با وعده‌های دروغین به آن‌جا قاچاق می‌شوند - باعث شده تا این کشور در معرض ترانزیت قاچاق انسان قرار گیرد. این امر باعث تحمیل هزینه‌های گزاف ناظر بر وقوع و خسارت‌های وارده و ناظر بر مبارزه‌ی با آن است.

دامنه‌ی آثار و پیامدهای ناگوار این جرم بسیار وسیع است. از جمله‌ی این آثار می‌توان به ناهنجاری‌هایی مانند: خشونت علیه قربانیان، سقوط ارزش‌های دینی و اخلاقی، از بین رفتن ارزش و کرامت انسان، نقض حقوق قربانیان، ابتلاء به بیماری‌های مسری و شیوع آن در سطح جهان، ایجاد اختلالات روحی - روانی، بروز ناهنجاری‌های

اجتماعی مانند پول‌شویی و جعل، تزلزل بنیان خانواده‌ها و مخدوش شدن نظام‌های سالم اقتصادی و اختلال در امنیت اجتماعی و استثمار نیروی کار اشاره کرد.

ذکر این پیامدهای منفی، ضرورت بررسی همه جانبه و مبارزه‌ی مناسب با آن را بدیهی می‌سازد. امروزه قاچاق افراد در سطح بین‌المللی عملی جنائی محسوب می‌گردد و جزء جنایات مرتبط با برده‌داری تلقی می‌شود که عرف بین‌المللی نیز آن را یک جنایت بین‌المللی می‌داند. جامعه‌ی ملل در جهت مبارزه با این جرم خانماسوز، اقدامات بسیاری را به انجام رسانیده که در قالب تصویب کنوانسیون‌های متعددی تحقق یافته است به آخرین آن‌ها که در سال ۲۰۰۰ میلادی تحت نام «کنوانسیون سازمان ملل علیه جنایات سازمان یافته فراملی» موسوم به کنوانسیون پالمو می‌توان اشاره کرد.

علاوه بر اقدامات بین‌المللی، قوانینی چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده‌اند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در جهت مقابله با این پدیده‌ی مجرمانه بوده است. کامل‌ترین آن‌ها قانون مبارزه با قاچاق است که در ۸ ماده در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

با این حال عملاً هیچ یک از اسناد و قوانین نتوانسته‌اند موجبات کاهش این معضل را ایجاد نمایند و هر روزه شاید اخبار و گزارشات متعددی راجع به افزایش آمار تجارت انسانی هستیم. جامع نبودن قوانین و عدم تناسب مجازات با جرم از جمله عوامل مؤثر در گسترش این معضل است.

هدف نوشتار آن است تا تجارت انسان را در قالب یک جنایت سازمان یافته‌ی فراملی مورد بررسی قرار دهد و پس از ارائه تعریفی از جرم مذکور و ویژگی‌های آن، توضیحاتی پیرامون اهداف قاچاق‌چیان از تجارت انسان‌ها ارائه دهد سپس واکنش‌های بین‌المللی در قبال تجارت انسان ارائه می‌گردد و جایگاه جرم مذکور در سیاست قانون‌گذار ایران مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. با تحلیل متون قانونی ارائه شده بر اساس مستندات فقهی به کاستی‌ها و نواقص آنان اشاره می‌شود.

هم‌چنین جرم تجارت انسان در تطبیق با سیاست جنایی اسلام و پیشنهادهایی جهت رفع کاستی‌های قانونی از دستورهای دین اسلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌ی قاچاق انسان

واژه‌ی قاچاق از مصدر قاچماق ترکی است^۱ که در این جابه معنای «وارد کردن یا خارج کردن متقلبان‌ه‌ی کالای موضوع حق و حقوق دولت یا کالای ممنوع یا انحصاری می‌باشد» (احمدی، جرم قاچاق، ۱۳۸۲، ۴۲) و «قاچاقچی به کسی اطلاق می‌شود که مال التجاره ممنوع الورد یا ممنوع المعامله را بدون کسب اجازه از دولت و یا پرداختن گمرک وارد کند یا بفروشد و یا از بیراهه بگذراند» (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۳، ج ۳، ۳۵۴۹).
تعریف این واژه در فرهنگ حقوقی چنین آمده است: «قاچاق در کامن لا دلالت می‌کند بر رد کردن یا عبور دادن کالا، جنس یا کالای تجاری از مرز که بر آن عوارض لازم پرداخت نشده یا کالائی که صدور یا ورود آن ممنوع است»

(Campbell Black, Black Law Dictionary, ۱۹۹۲, ۱۳۸۹)

تعاریف ارائه شده جملگی در خصوص اجسام بی‌روح است و معمولاً ذهن خوانندگان بیش از هر چیز معطوف قاچاق مواد مخدر می‌گردد. اما امروزه قاچاق مواد هسته‌ای، اسلحه و انسان و اعضای بدن او از مهم‌ترین انواع قاچاق در سطح بین‌المللی هستند.
مراد از انسان در این مقوله، انسان بما هو انسان است یعنی انسان کاملی که زنده متولد شده است فارغ از جنسیت، ملیت، نژاد و سایر ویژگی‌ها، همو که خداوند او را آزاد آفریده و بر کرامت او صراحتاً تأکید فرموده است (آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء «و لقد کرمننا بنی آدم»). قاچاق انسان دربرگیرنده‌ی قاچاق زنان، کودکان و مردان می‌شود که آنان را هم‌چون کالا با وضعیتی خطرناک جابجا می‌نمایند.

قاچاق انسان از لحاظ حقوقی

در ماده‌ی سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات تجارت اشخاص به ویژه زنان و کودکان مصوب ۲۰۰۰، قاچاق انسان این‌گونه تعریف شده است:
«استخدام نمودن، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص به وسیله‌ی تهدید یا توسل به زور و یا دیگر اشکال تحمیل و اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوء

۱- Traffick.

استفاده از وضعیت آسیب پذیری یا پرداخت یا دریافت مبالغ یا منافی جهت کسب رضایت شخصی که بر شخص دیگر کنترل دارد به منظور بهره‌کشی از فحشاء و روسپی‌گری دیگران یا اشکال دیگر بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، بیکاری، استثمار یا استخراج اعضای بدن را دربرمی‌گیرد.» (سلیمی، جنایات سازمان یافته‌ی فراملی، ۱۳۸۲، ۹۱).

در قسمت «ج» این ماده آمده است: «استخدام، اعزام، انتقال، پناه دادن یا تحویل گرفتن یک کودک به منظور بهره‌برداری، قاجاق اشخاص تلقی خواهد شد حتی اگر متضمن هیچ یک از طرق ذکر شده در بالا نباشد. (همان)

بر اساس تعاریف بین‌المللی، فریب یا زور الزامی نیست. زیرا استدلال آن‌ها بر این پایه استوار است که قاجاق نباید بر اساس تحمیل یا عدم رضایت مجنی علیه تعریف شود به ویژه در صنعت سکس که ذاتاً بهره‌کشانه است و رضایت زن بر وضعیت خویش اهمیتی ندارد.

(“Trafficking in human beings”. Implication for the organization for security and cooperatin in Europe”, oP. Cit.)

بر اساس این تعریف چنانچه انتقال افراد به صورت غیر قانونی انجام پذیرد چه برای رسیدن به اهداف اقتصادی یا غیر اقتصادی و چه بدون اعمال زور و اجبار، داخل در تعریف خواهد بود. اما چنانچه زن بالغی برای اهداف جنسی به کشور دیگری مهاجرت کند و در آن کشور از این طریق، اقدام به کسب درآمد نماید از شمولیت تعریف خارج می‌شود.

جرایم سازمان یافته‌ی فراملی

قاجاق انسان به ویژه زنان و کودکان به عنوان یک جرم سازمان یافته‌ی فراملی در حقوق بین‌المللی کیفری شناخته شده است. بررسی ویژگی‌های جرایم این چنینی در واقع بیانگر خصوصیات تشکیلات مرتبط با تجارت انسانی است که دست‌اندرکاران امر را به درک بهتر از این جرم و اتخاذ شیوه‌های مناسب مقابله با آن می‌رساند.

ویژگی‌های جرایم سازمان یافته‌ی فراملی را می‌توان این گونه برشمرد:

۱- «ساختار هرمی شکل با رهبری واحد در رأس هرم به عنوان مسأله مدیریت؛

- ۲- ساختار سلسله مراتبی و متمایز بودن رهبر از مجریان مستقیم؛
- ۳- وفاداری و فدائی بودن اعضا؛
- ۴- نظم شدید حاکم بر تشکیلات؛
- ۵- رازداری و اخفاء؛
- ۶- سازمان یافتگی عملیات مجرمانه؛
- ۷- توسل به اخاذی، خشونت و رشوه به ارگان‌های اجرای قانون برای تحصیل اطلاعات؛
- ۸- تحصیل سود کلان به طرق غیر قانونی؛
- ۹- اشتغال به تطهیر پول برای بازیافت و افزایش منافع؛
- ۱۰- فراملی و بین‌المللی بودن آن بدین معنی که در قلمرو بیش از یک دولت ارتکاب می‌شود. بخش مهمی از مقدمات طرح‌ریزی و هدایت یا کنترل آن در دولت دیگری صورت می‌پذیرد و یا آن که آثار سیاسی آن در دولت دیگری بروز می‌کند» (سلیمی، همان، ۴۹)

توریسم جنسی

ظهور و توسعه‌ی سرطانی توریسم منجر به توریسم جنسی شده است. منظور از آن، سوء استفاده‌ی جنسی مسافران خارجی، بازرگانان، یا جهانگردان از افراد کشور مقصد است. در جهان سوم، توریسم جنسی قسمت عمده‌ی صنعت توریسم را تشکیل می‌دهد. «بهشت جنسی لقبی است که توریست‌های خارجی به برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی از جمله تایلند داده‌اند» (تبریزی، تجارت شیطانی، ۱۳۷۹، ۲۹)

از آن‌جا که جهانگردی کسب پر درآمدی است دولت‌های میزبان مستقیماً و آشکارا از آن حمایت می‌کنند.

توریسم جنسی جریانی است برخلاف جریان تجارت انسان زیرا در تجارت انسان، افراد به منظور بهره‌کشی جنسی از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شوند در حالی که در توریسم جنسی، وضعیت معکوس است. در عین حال توریسم جنسی به نحوی منجر به گسترش قاچاق انسان می‌گردد؛ زیرا زمانی که منطقه‌ای تبدیل به مقصد گردشگران

جنسی می‌شود، آن محل جاذبه‌ای ویژه برای قاچاقچیان می‌یابد به گونه‌ای که آنان به منظور کسب درآمد و یافتن مشتریان فراوان، افراد قاچاق شده را به آن جا گسیل می‌دارند.

اهداف تجارت انسانی

ترویج فرهنگ فرد گرایی و سکولاریسم، موجب سوق آدمی به سمت رفاه طلبی و لذت جوئی مفرط به هر وسیله‌ی مشروع یا نامشروع است. همین گرایش، بستر مناسبی جهت فعالیت‌های باندهای قاچاق انسان است که به منظور اهداف مختلفی فعالیت می‌کنند. مهم‌ترین اهداف قاچاق عبارتند از:

۱) بهره‌کشی جنسی: زنان و کودکان در اقصی نقاط جهان برای سوء استفاده جنسی همچون همجنس بازی، سوء استفاده جهت تبلیغات از قبیل عکس‌ها و فیلم‌های مستهجن، کار در کلپ‌های رقص برهنه، کاباره‌ها، مهمان پذیرهای ماساژ بدن و سرویس‌دهی در فاحشه خانه‌ها به صورت ابزاری برای خوشگذرانی درمی‌آیند. هلند از جمله کشورهایی است که آمار سکس در آن ۲۵٪ رشد را نشان می‌دهد (تبریزی، همان، ۶۴). البته در کشوری که ۳۲٪ دختران آن قربانی تجاوز پدران خود می‌شوند باید همچنین انتظاری داشت. (همان، ۶۵)

۲) معامله اعضای بدن: باندهای سازمان یافته‌ی تجارت انسان به استخراج اعضاء جوان، نیرومند و یا کودکان و نوزادان سالم می‌پردازند. بنابر گزارشات واصله در هندوستان دو میلیون نفر به خرید و فروش کودکان بی‌پناه مشغولند. (کودکان، یونیسف، مشکلات دیروز و امروز، سایت خبری حوزه نت). بسیاری از این کودکان مانند ماشین سرقتی در بازارهای جهان اوراق می‌شوند تا تکه‌تکه فروخته شوند بر همین اساس، سازمانی به نام Euro transplantation با نه عضو در اروپا مشغول به فعالیت هستند. (تبریزی، همان، ۳۷)

۳) ازدواج اجباری: یکی از طرق فریب دختران جوان، قول ازدواج به آن‌هاست. اینان با تزویرهای گوناگون به آن تن داده و سپس وارد شبکه‌ی گسترده‌ی قاچاق انسان می‌شوند. آنان با پول نقد یا مواد مخدر معاوضه می‌گردند و پس از چندی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. بر مبنای اطلاعاتی که سازمان امنیت و همکاری اروپا ارائه داده

قیمت یک دختر در بازار رومانی حدود ۴۵ تا ۱۷۵ یورو است فروش همین دختران در بازارهای خرید و فروش انسان در اروپای غربی دهها برابر بیشتر از این قیمت است. واسطه‌ها و قوادان آنان را با قیمتی حدود ۲۰۰۰ یورو به فروش می‌رسانند. (بازار خرید و فروش کودکان، سایت خبری dw-world، ۲۰۰۴)

۴) کار اجباری: قربانیان این نوع قاچاق، به انواع کارهای سخت و طاقت فرسا همچون کار در کارگاه‌های کار سخت، بخش صنعتی، کشاورزی، کار در منازل، تکدی‌گری، انتقال و فروش مواد مخدر و نیز شرکت اجباری در جنگ‌ها واداشته می‌شوند.

۵) فرزند خواندگی: در سایت‌های مختلف اینترنتی هزاران هزار کودک بر اساس رنگ پوست، مو، ملیت و... معرفی می‌شوند. بازار فرزند خواندگی مدرن، بین‌المللی و بسیار رقابتی است: مجله‌ی اکسپرس فرانسه گزارش داد ۲۰ هزار خانواده مایلند کودکی را به فرزند خواندگی بپذیرند ولی تنها ۲ هزار کودک برای عرضه و فروش در کشور وجود دارد. در نتیجه همه متوجه خارج از مرزها شده‌اند (همشهری، مورخ ۸۱/۲/۱۷).

سازمان جهانی حمایت از کودکان طی تحقیقات اعلام کرده که سالانه در سراسر جهان حدود یک میلیون کودک چون بردگان به فروش می‌رسند. در این میان کودکان فروخته شده بیشتر به کشورهایمانند هلند، بلژیک، آلمان و فرانسه فرستاده می‌شوند. (بازار خرید و فروش کودکان، سایت خبری dw-world، ۲۰۰۴)

واکنش‌های بین‌المللی در تجارت انسان

قبل از پیدایش سازمان ملل، اقداماتی در مورد منع خرید و فروش زنان در غالب ۴ سند به انجام رسید که اولین آن‌ها عبارت بود از مقاله‌نامه‌ی بین‌المللی ۱۸ مه ۱۹۰۴ مشتمل بر ۹ ماده مبنی بر تأمین حمایتی مؤثر بر علیه معامله‌ی جنایت کارانه‌ی موسوم به خرید و فروش سفید پوستان (عبادی، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، ۱۳۷۳، ۱۹۱). قرارداد دیگری در پاریس در ۱۹۱۰، با ۱۲ ماده و یک پروتکل اختتامیه به منظور رفع نقایص و نقاط ضعف اولین سند، منعقد گردید.

در سند دوم، بهره‌کشی جنسی از زنان به هر شکلی، یک عمل مجرمانه معرفی گردید هرچند با رضایت قربانی باشد و عملیات مختلف که مبانی جرم محسوب می‌شوند در ممالک مختلف صورت گرفته باشد (عبادی، همان).

سومین سند میثاق جامعه‌ی ملل مربوط به سال ۱۹۱۹ می‌شود که متضمن دو مسأله اساسی بود؛ یکی مبارزه با برده فروشی و دیگری قاچاق اسلحه و مواد مخدر. بعد از جنگ جهانی اول، بار دیگر دولت‌ها در سال ۱۹۲۱ قراردادی در جهت تأکید مجدد اسناد سابق منعقد کردند. نکته‌ی قابل توجه در این قرارداد، پذیرش شروع به جرم به عنوان جرم و لزوم مجازات آن هم‌چنین مسأله استرداد مجرمین است (عبادی، همان، ۲۰۱).

بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، در سال ۱۹۴۹، آن سازمان پروتکلی اصلاحی را به منظور اعتبار بخشیدن به اسناد پیشین الحاق کرد.

دولت ایران نیز در ۱۸ آذر ۱۳۳۷ شمسی به این پروتکل با عنوان «کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپیگری» ملحق شد (عبادی، همان، ۲۳). مشخصه‌ی این کنوانسیون تأکید زیاد آن در خصوص جرم انگاری واسطه‌گری و معاونت بر قوادی می‌باشد. در واقع شالوده‌ی اصلی کنوانسیون (در ضمن مواد ۱ و ۲) همین است و همین مسأله موجب استقبال نکردن بیشتر کشورها از این قرارداد شد زیرا در این کشورها روسپی‌گری آشکار و غیر آشکار مورد حمایت قانون بود بنابراین عملاً به کنوانسیون مبروک مبدل شد.

(Trafficking in women and children: Mekong sub- Region, ۲۰۰۱, ۲)

با وجود تلاش‌های انجام شده، موفقیت چندانی در کاهش این معضل جهانی حاصل نگشت و همین امر موجب گشت تا بار دیگر سند بین‌المللی جدیدی تحت عنوان «پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان» در سال ۲۰۰۰ به تصویب دول عضو رسید. این سند ۲۰ ماده‌ای به عنوان جامع‌ترین دستاورد بین‌الملل در برخورد با قاچاق اشخاص به شمار می‌رود. ایران از جمله کشورهایی است که به این کنوانسیون پیوسته است.

بخش نخست از ماده‌ی ۱ تا ۵ به مقررات عمومی، بخش دوم از ماده‌ی ۶ تا ۸ به حفاظت از قربانیان قاچاق، بخش سوم، از ماده‌ی ۹ تا ۱۳ به پیشگیری و همکاری و

سایر تدابیر و بخش چهارم از ماده‌ی ۱۴ تا ۲۰ به مفاد پایانی پرداخته است. از محسنات این پروتکل، توجه آن به هر دو جنبه اقدامات سرکوبگرانه به همراه اقدامات پیشگیرانه می‌باشد و توجه خاصی به زنان و کودکان شده است.

ارائه تعریفی جامع و کامل از قاچاق انسان در ماده‌ی سوم این پروتکل از دیگر ابتکارات آن به شمار می‌آید. جهت جلب آراء بیشتر کشورها در مواردی که بهره‌کشی جنسی در داخل کشورها صورت گیرد و جنبه‌ی بین‌المللی نداشته باشد برخورد آن به دولت‌ها واگذار شده است.

طبق ماده‌ی ۴ پروتکل، جرم قاچاق انسان زمانی مشمول تمهیدات مقرر در سند خواهد شد که ماهیت فراملی داشته باشد و توسط گروه‌های سازمان یافته فراملی ارتکاب یابد بنابراین چنانچه تجارت اشخاص، توسط یک یا دو نفر به تنهایی صورت گیرد مشمول مقررات پروتکل نخواهد بود. شایسته بود که این سند بین‌المللی به نحو جامع‌تری به این قضیه نگاه می‌کرد تا باعث رفتاری متفاوت در برخورد با عاملان این جرم نمی‌گشت.

رویکرد حقوقی ایران نسبت به جرم تجارت انسان

پیرو تغییر و تحولات حاصله در ایران پس از انقلاب اسلامی، رویکرد مسؤولان قانون‌گذار در مسأله تجارت اشخاص نیز توفیر یافته است از آنجایی که پدیده قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان پیامدهای مخرب اخلاقی فراوانی دارد، موجب ترویج فساد و فحشا شده و با کرامت ذاتی انسان‌ها منافات دارد، تلاش‌های قابل ارزشی بعد از انقلاب در مبارزه‌ی با آن صورت گرفته است.

ایران از جمله کشورهایی بود که در ابتدای سده‌ی بیستم به اسناد بین‌المللی علیه قاچاق انسان پیوست و به تصویب قوانین داخلی در راستای قوانین بین‌المللی پرداخت.^۱ باوجود امضای اسناد و تعهدات فوق توسط ایران قبل از انقلاب اسلامی، به دلیل رواج فساد اخلاقی، اعمال منافی عفت و روسپی‌گری، سیاست دولت پهلوی بر عدم

۱- قانون اجازه‌ی الحاق دولت ایران به قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو، مصوب ۱۴ دی ماه ۱۳۱۰ شمسی.

برخورد و مبارزه با این جرم تعلق گرفت چرا که دولت خود مشوقی برای این گونه امور محسوب می‌شد و مسوولان اجرایی نیز اقدامی در زمینه مبارزه با آن اعمال نمی‌داشتند زیرا پایبندی به تعهدات بین‌المللی و اجرای مفاد آن‌ها در گرو برهم خوردن بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت فاسد پهلوی بود.

از جمله قوانینی که به طور غیر مستقیم به مسأله تجارت انسان یا جرائم فراملی پرداخته بود، ماده‌ی ۲۱۱ قانون مجازات عمومی بود که در آن بهره‌کشی جنسی از زنان و قاچاق آنان به خارج از کشور به منظور سوء استفاده جنسی مطرح و مجازاتی برای آن مقرر گشت که در مرحله‌ی عمل، ناکام ماند. ماده‌ی ۲۱۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۳/۷ هرچند به تعریف روسپی‌گری نمی‌پرداخت، لیکن مشوقین به روسپی‌گری و تسهیل کنندگان شهوت‌رانی را به مجازات حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می‌کرد. (حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی، بی‌تا، ۱۰۸)

با دقت در مفاد ماده‌ی ۲۱۱ قانون مجازات عمومی می‌توان به نکته‌های زیر اشاره کرد:

الف- ماده‌ی فوق چه از نظر بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران و چه از نظر قاچاق زنان به خارج برای روسپی‌گری دربردارنده‌ی تمام مفاد کنوانسیون ۱۹۴۹ می‌باشد.

ب- در این ماده از بین ارکان جرم، تنها به واسطه و قواد پرداخته شده و به صدور حکم مجازات برای قواد توجه شده است و از افرادی که به امر فحشاء تن درمی‌دهند و یا کسانی که از این افراد، بهره‌برداری جنسی می‌نمایند و همچنین مجازات‌های آنان سخنی به میان نیامده است.

ج- در این قانون روسپی‌گری جرم نیست بلکه واسطه‌گری برای انجام روسپی‌گری جرم محسوب می‌شود.

د- در بند ۴ این قانون تنها به افراد کمتر از ۱۸ سال توجه گشته و مسئولیت اعمال مذکور در این ماده را متوجه مرتکب، پدر، مادر یا قیم یا معلم یا... دانسته و برای آنان مجازات ۲ تا ۴ سال حبس در نظر گرفته شده است.

در ماده‌ی ۲۱۳ قانون مجازات عمومی که می‌توان آن را همگام و مکمل ماده‌ی ۲۱۱ دانست آمده است:

«الف- اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهند شد:

۱- هر کس عایدات حاصله از فحشاء زنی را وسیله‌ی تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد.

۲- هر کس فاحشه را در شغل فاحشگی حمایت کند.

ب- هر کس زنی را با علم به این که آن زن در خارجه به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه تشویق کند و یا مسافرت او را به خارجه تسهیل نماید و یا او را با رضایت خودش به خارجه ببرد و یا برای رفتن به خارجه اجیر کند، به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد، اگر چه اعمال مختلف که مبانی جرم محسوب می‌شود در ممالک مختلف صورت گرفته باشد» (همان، ۱۱۰).

از جمله ویژگی‌های این ماده که به گونه‌ای به قاچاق انسان مرتبط است، انتقال زنان به خارج از کشور برای مقاصد جنسی و ارتکاب جرم در ممالک مختلف است. لیکن در مورد سایر مقاصد شوم انتقال زنان و دیگر افراد هم‌چون، کودکان و مردان ذکری به میان نیامده است. در ارتباط با ورود و خروج غیر قانونی از کشور نیز قوانینی حاکم است. از جمله این که ورود و خروج اشخاص از مرزهای کشور به شکل مهاجرت‌های غیر قانونی یا قاچاق مهاجران که بدون رعایت قوانین و مقررات گمرکی و بدون اسناد و مدارک معتبر صورت پذیرد ممنوع بوده است.

ماده واحده‌ی قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص به شکل غیر مجاز از مرزهای کشور، مقرر می‌دارد: «هر کس که دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید مجرم و قابل مجازات شناخته شده و به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده واحده‌ی مصوب محکوم خواهد شد و در صورتی که عبور دهنده، مخل امنیت بوده و محارب و مفسد فی الارض شناخته نشود به ۲ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود». لازم به ذکر است که قانون اخیر جزء قوانین مصوب بعد از انقلاب است که در خصوص مجازات عبور غیر مجاز از مرزها به تصویب رسیده است.

با نگاهی کلی به قوانین مذکور درمی‌یابیم که قوانین موجود پیش از انقلاب به مسأله قاچاق انسان از منظر یک جنایت آن هم از نوع سازمان یافته‌ی فراملی ننگریسته و مجازات‌های سبک و غیر متناسب با جرم در نظر گرفته است به نحوی که فاقد قدرت

بازدارندگی ندارد، هم‌چنان که نگاه جامعی به این مثلث شوم نداشته بلکه بیشترین توجه خود را معطوف به واسطه‌گری در فحشاء کرده است و به دیگر افراد شامل قربانیان، سود برندگان، هم‌چنین خود پدیده‌ی فاحشه‌گری یا قاجاق به منظوره‌ای دیگر نپرداخته است و علاوه بر آن که در مرحله‌ی اجرا و عمل نیز عقیم مانده است.

الف: قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات عمومی، در سال ۱۳۶۱ جای خود را به قانون مجازات اسلامی داد و بدین ترتیب قوانین مربوط به قوادی و واسطه‌گری شامل مواد ۱۳۵ تا ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی جای قوانین ۲۱۱ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی را گرفت. ماده‌ی ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی، قوادی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط».

در ماده‌ی ۱۳۸، مجازات مقرر شده برای قواد چنین است: «حد قوادی برای مرد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال و برای زن ۷۵ ضربه تازیانه است». با مقایسه‌ی این مواد با مواد قانون مجازات عمومی که پیش‌تر آمد، روشن می‌شود که مجازات قوادی که حبس به مدت ۶ ماه تا سه سال بود، به ۷۵ ضربه تازیانه در مورد زنان و ۷۵ ضربه تازیانه با سه ماه تا یک سال تبعید برای مردان تغییر یافته است. به نظر می‌رسد که ۷۵ ضربه تازیانه به اضافه حبس حداکثر یک سال در مردان، مجازات عادلانه‌ای برای کسی که موجبات تسهیل و ترویج فحشاء در جامعه‌ی اسلامی را فراهم آورده، باعث تباهی و بی‌سر و سامانی عده‌ای می‌گردد نباشد، به ویژه وقتی که در سطح وسیعی صورت گیرد بنیان خانواده‌ها را به هم می‌زند موجب اشاعه‌ی بیماری‌های روحی روانی و جسمانی در افراد جامعه گشته و از همه مهم‌تر اسباب ناامنی اجتماعی و سقوط اخلاقی را مهیا می‌سازد.

ماده‌ی ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی، مجازاتی کامل‌تر و شدیدتر برای قواد در نظر گرفته است. (حبس از یک تا ده سال)

از دیدگاه مشهور فقها، در صورتی که این جرم تکرار شود و مجرم اصرار و تأکید بر انجام آن داشته باشد بعد از بار چهارم، حد مجازات آن قتل خواهد بود (امینی، آیتی، تحریر الروضه، ۱۳۷۸، ۴۴۴). ماده‌ی ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی هم به همین مطلب تصریح دارد.

دقت در کلمات بند (ب) همان ماده - یعنی تشویق به فساد یا فحشاء یا فراهم نمودن موجبات آن - ذهن را به سوی قاچاق انسان (که به منظور بهره‌کشی جنسی انجام می‌شود) سوق می‌دهد و به وضوح می‌توان آن را جزء فراهم کردن موجبات فحشاء قلمداد کرد. به نظر می‌رسد استفاده از این ماده‌ی قانونی برای مجازات عاملان قاچاق در برخی موارد مفید باشد، (اگرچه در ادامه‌ی مقاله خواهد آمد که مجازات قاطع و موثری نیست) هم‌چنین قاچاق انسان به جهت رسیدن به اهداف دیگر مانند کار و ازدواج اجباری، استخراج اعضاء و... با این ماده قابل مجازات نیست.

در ماده‌ی ۶۲۱ در مورد آدم ربایی می‌خوانیم: «هرکس به قصد مطالبه‌ی وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسائل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد».

تبصره: مجازات شروع به ربودن ۳ تا ۵ سال حبس است.

مواد ۶۳۱ همان قانون در خصوص دربودن یا اخفای اطفال محکومیت ۶ ماه تا ۳ سال حبس به همراه جزای نقدی را مطرح می‌کند.

ب- قانون مبارزه با قاچاق انسان

با وجود موادی از قانون مجازات اسلامی درباره‌ی جرائم علیه اشخاص و اطفال، آدم ربایی، حد قوادی و مجازات قواد و... خلاء قانونی شدیدتری در مورد مبارزه با تجارت انسان در ایران اسلامی احساس می‌گشت. گرچه قوانین مذکور هر کدام به نوعی از بازدارندگی برخوردار بود اما از جامعیت و کمال مورد نظر در مورد تمامی جوانب قاچاق انسان بهره‌مند نبود. به ویژه که روند روبه رشد قاچاق زنان و دختران ایرانی، نگرانی‌های عمومی را برمی‌انگیخت.

در همین راستا به جهت رفع خلاء قانونی هیأت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت خارجه لایحه‌ای تحت عنوان لایحه‌ی مبارزه با قاچاق انسان در فروردین ۱۳۸۳ مشتمل بر ۸ ماده تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد که پس از بحث و بررسی‌های مستمر سرانجام

در تاریخ ۲۸ تیرماه همان سال تحت عنوان «قانون مبارزه با قاچاق انسان» به تصویب رسید.

بر اساس ماده‌ی ۷ هر تبعه ایرانی مشمول مقررات این قانون خواهد بود. بنابراین مجازات‌های مقرر در آن شامل ایرانیان خارج از قلمرو حاکمیت ایران نیز خواهد بود. ماده‌ی یک این قانون که سعی دارد تا در دو بند تعریف جامعی از قاچاق انسان را ارائه دهد و در عین حال اهداف آن را نیز بیان دارد، مقرر می‌دارد:

قاچاق انسان عبارت است از:

الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیتی فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب- تحویل یا گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اختفای فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. همان طور که مشاهده می‌شود این ماده بر جرم انگاری قاچاق انسان تصریح نموده با به کارگیری کلمه‌ی «انسان» در متن آن، قاچاق مردان و کودکان را علاوه بر زنان شامل می‌شود. این تعریف با تعریفی که در پروتکل الحاقی آمده است شباهت‌های نزدیکی دارد. در بند a ماده‌ی ۳ پروتکل، استخدام افراد به روش‌های تصریحی به منظور بهره برداری از فحشاء یا کار جنسی، مصداق قاچاق می‌باشد و در ماده‌ی یک به این امر تصریح شده است. اما در مقام تطبیق و مقایسه باید اظهار داشت که در منطوق این ماده در مورد طرق ارتکاب قاچاق انسان احصایی بوده اما دایره شمول طرق مطروحه در پروتکل گسترده‌تر است. از جمله می‌توان اغفال، ربودن، گرفتن مبالغ یا منافع برای تحصیل رضایت فرد مسلط بر دیگری را نام برد که در قانون ایران اشاره‌ای به آن‌ها نشده است.

هم‌چنین در مورد اهداف قاچاق در ماده‌ی ۱ که همان قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح و ازدواج اجباری است به گمان می‌رسد که قانون‌گذار روش احصایی را برگزیده است. اما در پروتکل، استفاده از فحشاء یا اشکال دیگر بهره برداری جنسی به عنوان یکی از اهداف ذکر گردیده که در قانون ایران صرفاً به فحشاء اشاره شده است. به نظر

می‌رسد منظور پروتکل از «اشکال دیگر بهره‌برداری جنسی» شامل استفاد از قربانیان در دیسکوها، کلوپ‌های رقص برهنه و استفاده‌های تبلیغاتی در عکس‌های مستهجن و... می‌باشد که نسبت به قانون ایران از گستردگی بیشتری برخوردار است.

از دیگر سو، کار یا خدمات اجباری و اعمال مشابه به بردگی از دیگر اهداف تصریحی پروتکل است و چنانچه قاچاقچی یکی از منظورهای مذکور را داشته باشد، قاچاق انسان طبق پروتکل محقق می‌شود در صورتی که موارد مذکور در قانون ایران مورد اشاره قرار نگرفته است. بنابراین قاچاق اشخاص به این منظور، طبق قانون مبارزه با قاچاق ایران جرم نمی‌باشد.

نکته‌ی قابل تأمل دیگر در این ماده آن است که ازدواج اجباری مطروحه در قانون، جزء اهداف آورده شده که پروتکل اشاره‌ای به آن ننموده است. این هدف یعنی ازدواج از نظر قوانین داخلی و فقه اسلامی در موردی که ولی قهری نسبت به تزویج مولی علیه خود (در جایی که مصلحت ببیند) اقدام کند تعارض دارد. این گونه موارد که در استان‌های مرزی مانند خراسان، سیستان و بلوچستان اتفاق می‌افتد بر اساس قوانین داخلی (ماده‌ی ۱۱۸۰ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی) و نظریه‌ی مشهور فقهاء امامیه مشروع بوده و فاقد وصف جزائی است. (رک: مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه) ماده‌ی ۲ قانون مزبور به تبیین اعمالی می‌پردازد که «در حکم قاچاق انسان» محسوب می‌شوند. در بند (ج) همین ماده تصریح شده که رضایت مجنی علیه تأثیری در وصف جزائی عمل مرتکب قاچاق ندارد و این از نقاط قوت قانون مبارزه با قاچاق محسوب می‌شود. مبنای فقهی این حکم، کرامت ذاتی انسانهاست که در قرآن کریم بدان تصریح شده است (ولقد کرمتنا بنی آدم و فضلناه علی کثیر ممن خلقتنا) و مبنای حقوقی این حکم آن است که حقوق اساسی مربوط به شخصیت انسانی مانند شرف و شخصیت اخلاقی را نمی‌توان به موجب قرارداد یا یک جانبه اسقاط کرد و یا به دیگری واگذار کرد (صفائی، قاسم‌زاده، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ۱۳۸۴، ۲۶). از این رو، چنانچه قراردادی با رضایت طرفین منعقد گردد که به این حقوق صدمه بزند باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط است (همان).

ماده‌ی سوم و تبصره‌های آن که بحث انگیزترین بخش قانون مزبور است به بیان مجازات جرم قاچاق انسان می‌پردازد و چنین اظهار می‌دارد: «چنانچه عمل قاچاقچی

انسان، از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی نباشد، فرد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر اموال حاصل از بزه محکوم می‌شود». طبق تبصره‌ی یک همین ماده، بیشترین مجازات برای کسی در نظر گرفته شده که افراد زیر ۱۸ سال را قاچاق کند.

نکته‌ی مثبت و نقطه‌ی قوت تبصره‌ی ۳ آن است که برای معاونت در جرم قاچاق انسان، کیفر حداقل و حداکثری در نظر گرفته شده است یعنی ۲ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه (طبق ماده‌ی ۷۲۶). زیرا باید در نظر داشت که معاونت خود شامل گستره‌ی وسیعی از اعمال می‌شود که تأثیر آن‌ها در وقوع جرم یکسان نیست. علاوه بر میزان تأثیر بخشی در تحقق جرم، انگیزه‌ی معاون یا معاونین، شرایط وقوع جرم و خصوصیات شخصی معاون یا معاونین می‌تواند تا مجازات مناسبی را تعیین کرد به گونه‌ای که با موازین عدالت کیفری مغایرت پیدا نکند. مواد چهارم و پنجم این قانون، نحوه‌ی مجازات کشور دولت و یا شرکت‌های خصوصی که به نحوی در جرم موضوع این قانون دست داشته باشند را مقرر کرده و علاوه بر مجازات‌های مقرر، حکم به انفصال از خدمت و یا ابطال پروانه‌ی فعالیت داده است.

ماده‌ی ۸ که آخرین ماده محسوب می‌شود به بیان تعیین وضعیت اموال درگیر در قاچاق پرداخته است و طبق این ماده، تمامی اشیاء ویژه‌ی استفاده برای انجام جرم اعم از منقول و غیر منقول، اسباب و وسائل نقلیه به نفع دولت ضبط خواهد شد. مستند فقهی این حکم، عدم مشروعیت عقودی است که به جهت نامشروع منعقد می‌شوند.

فقهاء در بحث مکاسب محرمة متذکر شده‌اند چنانچه عقدی همانند بیع، اجاره و... به منظور حرامی منعقد گردد، اعتبار نخواهد داشت (امینی، آیتی، همان، ۱۷۵) و از مصادیق اکل مال به باطل محسوب می‌شود که در قرآن از آن نهی شده است. بدین لحاظ کلیه‌ی اموال مرتبط با جرم قاچاق به عموم آحاد مسلمین متعلق خواهد بود.

شاید بتوان احتمال داد در صورتی که افرادی از روی نیاز مالی و از روی فریب دیگران، خود وارد چنین باندهای مخوفی شده باشد. به عنوان کمک بتوان بخشی از اموال قاچاقچیان را به نفع قربانیان مصادره کرد تا زمینه‌ی وقوع جرم در این افراد

کاهش پیدا کند. البته در چنین صورتی، اختصاص اموال به قربانیان و کیفیت توزیع آن به صلاحدید حاکم خواهد بود. این احتمال به خصوص در مواردی که قربانیان از روی اجبار، اکراه و یا تهدید، در این بازی خطرناک وارد گشته باشند و دچار آسیب‌های مادی و معنوی شده باشند قوت می‌گیرد.

اما مهم‌ترین مطلب چالش برانگیز مربوط به ماده‌ی ۳ است که به تعیین مجازات بر علیه قاچاقچیان - حبس و مجازات نقدی- پرداخته است و مشخص نیست بر چه اساسی و چه مبنائی مقرر گردیده است.

بر اساس اصل ۴ قانون اساسی، کلیه‌ی قوانین و مقررات بدون هیچ گونه استثنائی باید بر اساس موازین اسلامی تدوین گردد و به نظر می‌رسد که مجازات مقرر با موازین شرعی انطباق ندارد. زیرا جرم مذکور از میان عناوین مجرمانه در سیستم جزایی اسلام با عنوان افساد فی الارض منطبق می‌باشد که مجازات آن بسیار سنگین تا سر حد قتل قرار داده شده است.

برای اثبات این ادعا لازم است متون دینی مرتبط با این جرم مورد بررسی قرار گیرد.

مستندات فقهی جرم قاچاق انسان

۱- آیات:

۱-۱ آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مائده می‌فرماید:

«من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد في الارض فكأنما قتل الناس جميعاً»

بدین جهت بر بنی اسرائیل مقرر نمودیم هر کسی، نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آن که فساد در روی زمین کرده باشد به قتل برساند مانند آن است که همه‌ی مردم را کشته باشد.

بر اساس آیه‌ی شریفه چنانچه قتل به عنوان افساد فی الارض انجام شود مشروع می‌باشد.

«بدیهی است که قتل مفسد فی الارض یک امر تعبدی محض نیست که عقل نتواند آن را درک کند بلکه مسأله جزء مسائل عقلانی است و ارتکاز عقلاء و حکم عقل نیز

مبنی بر رفع فساد مفسدان در زمین و کشتن آنهاست» (بای، مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض، شماره ۷، ۳۶). مفهوم «افساد فی الارض» در نظر عرف که مرجع تشخیص در این گونه امور است روشن بوده اجمالی ندارد.

قید «فی الارض» در عبارت به کار رفته در آیهی شریفه، اشاره به شرایطی مانند گستردگی عمل مرتکب دارد که این شرط در جرم تجارت انسان، مشهود است زیرا این جرم در صورتی که در زمره‌ی یک جرم سازمان یافته‌ی فراملی قرار گیرد از ویژگی خاصی برخوردار است که آن را در ردیف جرائم عمومی و تهدید کننده‌ی جامعه قرار می‌دهد.

۱-۲- آیه دیگر که می‌تواند مستند شرعی باشد آیهی ۳۳ همان سوره است. آیه برای جرم مزبور می‌فرماید:

«أما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً أن یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض»

همانا مجازات کسانی که به پیکار با خدا و رسولش برمی‌خیزند و فساد انگیزی در روی زمین را وجهه‌ی همت خود می‌سازند آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان به طور مخالف قطع شود و یا تبعید گردند.

بنابر اعتقاد برخی، دلیل مترتب شدن مجازات‌های چهارگانه بر محارب آن است که وی تلاش در فساد انگیزی در زمین دارد. در واقع محارب، خود یکی از مصادیق مفسد فی الارض است (اردبیلی، زبدة البیان، بی‌تا، ۶۶۵).

به این ترتیب هر فساد کننده‌ای مشمول همان مجازات‌ها خواهد بود. ذکر محاربه‌ی با خدا و رسول به منزله‌ی ایجاد آگاهی ذهنی و روانی برای بیان بزرگی خطر فساد در زمین است. هم‌چنین گفته شده است که رابطه‌ی بین محاربه و افساد، رابطه‌ی عام و خاص است و عطف در آیه از باب عطف عام بعد از ذکر یکی از مصادیق خود است (بای، همان، ۴۰).

۱-۳- آیهی ۱۹۱ سوره‌ی بقره که مرتبط با فتنه انگیزی است می‌فرماید:

«واقتلوه‌م حیث ثقفتموه‌م و أخرجوه‌م من حیث أخرجوكم و الفتنه اشد من القتل»
هرجا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهایتان برانید چنانکه آنها شما را از شهرهایتان راندند و فتنه‌گری سخت‌تر و فسادش بیشتر (از جنگ) است.

در آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره به مسلمانان دستور داده شده تا زمانی که فتنه بر روی زمین باقی است دست از مبارزه با آن برندارند هر چند رفع فتنه با کشتن برپا کننده آن میسر شود.

فتنه‌گری از آن جهت در قرآن مجید نامطلوب‌تر و زشت‌تر دانسته شده که هم حیات مادی و هم حیات معنوی را از بین می‌برد. به علاوه که خود بستر مناسبی جهت بروز سایر فسادهای اجتماعی و موجب ظهور جرائم دیگری می‌شود. حال اگر مجازات قاتل به قتل عمد، مرگ باشد، مجازات برپا کننده‌ی فتنه به طریق اولی مرگ خواهد بود.

واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن مجید در معانی مختلفی بکار رفته است. برخی مفسرین احتمال داده‌اند که مراد از فتنه در اینجا همان فساد اجتماعی باشد که شامل اعمالی می‌شود که نتایج آن گاه از کشتن هم دردناک‌تر است، مثل امری که سبب قتل و کشتارها در اجتماع می‌شود. (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳) موید این برداشت، آیه ۷۳ سوره‌ی انفال است که می‌گوید: «أَلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسادٌ كَبِيرٌ». در این آیه خداوند فتنه و فساد را هم ردیف هم قرار داده است.

بدیهی است که تجارت انسان‌ها به مانند کالای بی‌روح و پایمال کردن شأن انسانی قربانیان و پیامدهای مخرب آن، از مصادیق روشن فتنه‌گری است. با کمی دقت درمی‌یابیم که بسیاری از جرائم مستوجب مرگ مانند قتل و زنا و... به نوعی حقوق انسان‌ها را نقض می‌کنند، حقوقی که به طور مستقیم و به طور فاحش‌تری در تجارت انسانی نقض می‌شود. لذا باید با مرتکبین آن به طور قاطع و بدون هیچ گونه سستی برخورد نمود.

در آیه ۱۹۳ همان سوره به مسلمانان فرمان داده شده که تا زمانی که فتنه باقی است دست از جهاد برندارند هر چند رفع فتنه با کشتن برپا کننده‌ی آن میسر شود. لذا هرگاه شخصی به هر طریقی به اغفال زنان و دختران بپردازد و به جهت سوء استفاده از آنان در مراکز فحشاء یا سایر مقاصد غیر قانونی به ترانزیت آنان مبادرت کند قتل او به منظور رفع فتنه مجاز خواهد بود.

۲- روایات:

۲-۱- در روایتی از امام رضا(ع) چنین آمده است:

«فلا يجوز قتل احد من النصاب و الكفار في دار التقية الا قاتل اوساع في فساد»
(صدوق، عيون الاخبار، ۱۴۰۴، ۱۳۲).

کشتن هیچ یک از ناصبی‌ها و کفار در سرزمین تقیه جایز نیست مگر آن که قاتل یا سعی کننده در فساد باشند.

روایت نشانگر آن است که زشتی تخریب و فساد در زمین به قدری شدید است که در زمان تقیه هم می‌توان مرتکب آن را به قتل رسانید.

۲-۲- در خطبه‌ی قاصعه، حضرت علی(ع) می‌فرمایند:

«الا و قد امرني الله بقتال اهل البغي و النكث و الفساد في الارش» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ۵۶).

آگاه باشید که خداوند مرا به جنگ با ستم پیشگان و پیمان شکنان و آنان که در زمین به فساد برخاسته‌اند امر فرمود.

از این کلام برمی‌آید که دفع این گروه‌ها از وظایف حاکم اسلامی است.

۲-۳- در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: که حضرت علی(ع) در مورد مردی که در خانه‌ی شخصی آتش افکند و در نتیجه‌ی آن خانه و اشیاء درون آن سوختند حکم کردند که افروزنده‌ی آتش باید خسارت خانه و آن چه را درون آن بوده بپردازد و پس از آن کشته شود (طوسی، التهذيب، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۲۳۱).

در صورتی که امام برای آتش افروز حکم قتل را صادر کرده‌اند به نحو اولی در مورد کسانی که در خانه‌های بی‌شماری آتش فساد و فتنه به پا می‌کنند کیفر قتل مجاز و مشروع خواهد بود.

۳- نظرات فقهاء:

اسلام خرید و فروش انسان‌ها را منع و از آن به شدت نهی کرده است. پیامبر اکرم در ضمن حدیثی فرموده است: «قال الله تعالى: ثلاثة أنا خصمهم يوم القيامة... و رجل باع حراً فأكل ثمنه» (بخاری، صحیح بخاری، بی‌تا، ۲، ۲۰۱). فتاواي فقهاء نیز مبنی بر حرمت خرید و فروش انسان است (علامه حلی تحریر الاحکام، بی‌تا، ۱، ۱۶۱ و خوئی، مصباح الفقاهه، ۱۳۶۶، ۶، ۱۱۱).

از دیدگاه فقها، این پدیده نه تنها از لحاظ تکلیفی حرام است بلکه از لحاظ وضعی نیز از صحت و نفوذ برخوردار نیست (علامه حلی، همان، ۱، ۱۶۴).
ابوصلاح حلبی در خصوص مجازات شخصی که زن خود یا زن دیگری را فروخته است می‌نویسد:

«من باع حرة زوجة او اجنبية قطع لفساده فی الارض»

هر شخصی که زن آزاد خود یا دیگری را بفروشد دستش قطع می‌شود به دلیل افسادش در روی زمین (حلبی، الکافی فی الفقه، ۱۴۰۳، ۴۱۲).

دیگر فقهاء نیز تصریح کرده‌اند که آدم فروش از مصادیق مفسد فی الارض می‌باشد (رک: به نظرات شهید اول و شهید ثانی، در تحریر الروضه، ۴۵۱) و حکم به قطع دست را از باب سرقت صادر نکرده‌اند زیرا انسان مال نیست که تعریف سرقت بر ربودن او صدق کند بلکه بر اساس تطبیق با جرم افساد بوده است و خود به این مطلب تصریح کرده‌اند. (امینی، آبتی، همان، ۴۵۱)

مطالب بیان شده نشانگر آن است که از نظر فقهاء نیز خرید و فروش انسان چه زن و چه مرد از مصادیق افساد فی الارض می‌باشد.

علاوه بر آیات و روایات بیان شده، روشن است که مقررات اسلامی و از جمله مقررات کیفری اسلام همگی به منظور جلب مصالح و دفع مفسدات از اجتماع بشری است و هر تعرضی به دین، نفس، عقل، نسب و مال را می‌توان جرم به حساب آورد. با توجه به این که پدیده‌ی تجارت انسان آن هم به صورت شبکه‌ای و در قالب جرم سازمان یافته در ابعاد وسیع و گسترده، سلامت معنوی، اخلاقی و نظم و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، باید عقل القاعده شدیدترین مجازات‌ها را در پی داشته باشد.

بدین ترتیب آن چه در قانون مبارزه با قاچاق برای مجرمین در نظر گرفته شده است (حبس از ۲ تا ۱۰ سال) مجازات مناسبی که تناسب با جرم داشته باشد به نظر نمی‌رسد و فاقد جنبه‌ی پیشگیرانه و سرکوبگرانه است.

این دلایل می‌تواند راهنمایی برای صاحب نظران امر باشد تا دقت و تأمل بیشتری در این زمینه به خرج دهند.

اگرچه در این قانون مسأله خسارات قربانیان مورد غفلت واقع شده در عین حال ضروری است که خسارت‌های وارد شده بر قربانیان از جانب مرتکبان جبران شود.

مصادره اموال قاچاقچیان منبع بالفعل و مناسبی برای جبران زیان‌های وارده به قربانیان فریب خورده یا مکره می‌باشد.

غیر از مسأله جبران خسارت‌های مالی وارده به قربانیان، تدابیر حمایتی دیگری نیز لازم است. می‌توان به مواردی مانند بازپروری و اصلاح بزه دیدگان، بازگرداندن آنان به موطن اصلی خود، ارائه کمک‌های پزشکی و بهداشتی به آنان و ارائه کمک‌های روانی برای بازیافتن هویت انسانی بزه دیده و ترمیم آسیب‌های روانی او که اهتمام دولتمردان و نهادهای مدنی را می‌طلبد، اشاره کرد. وظیفه حکومت اسلامی در این زمینه بسیار سنگین است. بر اساس فرمایش نبوی: «الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة، فالام الذی علی الناس راع و هو مسئول عن رعیتة...» (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸) حاکم اسلامی باید تا قربانیان را تحت چتر حمایتی خویش قرار دهد. گرچه بر اساس کلکم راع و کلکم مسئول این وظیفه از دیگر آحاد جامعه نیز ساقط نیست.

علاوه بر قانون مبارزه با قاچاق انسان، با تصویب مجلس شورای اسلامی، ایران به پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در خصوص مبارزه با فروش، فحشا و هرزه انگاری کودکان پیوسته است. این لایحه در آبان ماه ۸۳ از سوی رئیس جمهور وقت برای کسب تکلیف به مجلس فرستاده شده بود پس از گذشت نزدیک به یک سال با موافقت نمایندگان روبرو شد.

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در ۱۷ ماده تنظیم شده است. ماده‌ی نخست آن مربوط به موضوع این پژوهش بازمی‌گردد و فروش کودکان را ممنوع اعلام کرده است. بر اساس تعریف پروتکل الحاقی، لازم نیست از قاچاق کودک همواره سوء نیت و اهداف پلید از نوعی که در قانون مبارزه با قاچاق ذکر شده، وجود داشته باشد بلکه شامل هرگونه جابه‌جایی غیر قانونی کودک شامل می‌شود.

ضمانت‌های اجرایی در ارتباط با جرایم مندرج در پروتکل در قوانین ایران منظور شده است. در این زمینه می‌توان به موادی از قانون مجازات اسلامی، بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی، جزء (ج) بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی، موادی از قانون کار، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۵۳/۱۲/۲۹) اشاره کرد.

نتیجه

- ۱- در خصوص مبارزه با پدیده‌ی تجارت انسان چند معاهده‌ی بین‌المللی به امضاء دولت‌ها رسیده و ایران نیز آن‌ها را به امضاء رسانده است.
 - ۲- جرم انگاری قاچاق انسان و تعیین مجازات برای آن در قوانین قبل از انقلاب تا حدودی وجود داشته اما به لحاظ سیاست‌های دولت پهلوی اقدامات حقوقی عقیم مانده بود.
 - ۳- بعد از انقلاب اسلامی، تحولاتی در مبارزه با این جرم دیده می‌شود و موادی از قانون مجازات اسلامی به آن اختصاص یافت. علاوه بر آن قانون مبارزه با قاچاق انسانی، به طور مستقیم به جرم انگاری این پدیده و تعیین مجازات برای آن پرداخت.
 - ۴- جدای از ایرادات وارد بر موادی از قانون مزبور، مهم‌ترین آسیب آن، عدم انطباق این قانون با مبنای فقهی و قانون اساسی، هم‌چنین عدم تناسب میان جرم ارتكابی با مجازات تعیین شده آن می‌باشد. در حالی که امروزه ماهیت یک جرم سازمان یافته‌ی فراملی را به خود گرفته است قانون‌گذار ایران با شدت با آن برخورد نکرده است و تنها به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و مجازات نقدی اکتفا کرده است.
 - ۵- با تکیه به دلایل روشنی از آیات و روایات و با استفاده از نظرات فقها و مفسران نتیجه گرفته می‌شود که جرم مزبور از مصادیق بارز افساد فی الارض و فتنه‌گری می‌باشد و باید مجازات مفسدین فی الارض برای مرتکبان که به صورت بانندی و تحت شبکه‌های بین‌المللی به این امر اقدام می‌ورزند در نظر گرفته شود.
- با اتخاذ تدبیر سرکوب‌گرانه با این پدیده‌ی خانمان‌سوز بین‌المللی، امید است که قدمی استوار در محدود کردن دامنه‌ی این پدیده‌ی شوم برداشته شود.

فهرست منابع و مآخذ:

- * قرآن کریم
* نهج البلاغه
- ۱- احمدی، عبدالله، جرم قاچاق، ج اول، ۱۳۸۲، تهران، نشر میزان.
۲- اردبیلی (مقدس)، احمدین محمد، زبدة البیان، بی تا، تهران، مکتبه المرتضویه.
۳- امینی، علیرضا، آیتی، سیدمحمدرضا، تحریر الروضه فی شرح المعه، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- بای، حسینعلی، مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض، مجله فقه و حقوق، شماره ۷.
۵- بخاری، محمد، صحیح بخاری، بی تا، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۶- تبریزی، ایرج، تجارت شیطانی، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات کیهان.
۷- تفسیر نمونه، جمعی از دانشمندان، ۱۳۷۷، ج ۳۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۸- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، مسالک الافهام، ۱۴۱۳ق، قم.
۹- حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، ۱۴۰۳ق، اصفهان، نشر مکتبه امیرالمؤمنین.
۱۰- حجتی، اشرفی، غلامرضا، مجموعه‌ی کامل قوانین و مقررات جزایی، بی تا، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش.
- ۱۱- حلی (علامه)، تحریر الاحکام، بی تا، مشهد، مؤسسه آل بیت.
۱۲- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ۱۳۶۶، نجف، انتشارات حیدریه.
۱۳- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته‌ی فراملی، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، انتشارات تهران، صدرا.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵- صدوق، محمدبن علی، عیون الاخبار، ۱۴۰۴.
۱۶- صفائی، سیدحسین، قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۷- طوسی، محمدبن حسن، التهذیب، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، تهران، دارالکتب.
۱۸- عبادی، شیرین، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، ۱۳۷۳، تهران، روشنگران.
۱۹- مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ هفتم، ۱۹۸۲م، دارالعلم للملایین.
۲۰- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱، ۱۴۰۸ق، مؤسسه آل البيت (ع) الحیاء التراث، بیروت.

روزنامه‌ها و مجله‌ها:

۱- جمهوری ۸۰/۳/۹.

۲- همشهری ۸۱/۲/۱۷.

۳- ایران جوان شماره ۴۷.

۲۱- کودکان، یونیسف، مشکلات دیروز و امروز، سایت خبری:

<http://www.Hawzah.net/per/magazin/pz\۰۵۷\pzo۵۷۱۴>.

۲۲- بازار خرید و فروش کودکان، سایت خبری:

<http://www.dw-world.de/dw\article\۰۲۴۱۲۲۴۳۰۰.html>.

۲۳- BABARRA CROSSETTE, People trafficking on rise, warns UN, NewYork Times,

۲۶ June ۲۰۰۰.

۲۴- CAMPBELL H, Blacks law dictionary, ۱۹۹۲, Sixth edition, west publishing co.

۲۵- RAYMOND, JANICE, guide to the new protocole,

<http://www.gatwinterNational.org/protocol.pdf>.

۲۶- Trafficking in women and children: Mekong Sub- region, ۸/۵/۲۰۰۱ quoted in

<http://www.unifem-essesia.org/resources/traffifToHtml>.